

وهم الإلحاد ، الفصل الثالث ، التطور سنة إلهية (ص ١١٣ - ١٢٠ ) / توهم  
بيخدايي ، فصل سوم: تكامل، سنتى الهى (ص ١٢١-١٢٩)

## الفصل الثالث

### فصل سوم:

التطور سنة إلهية

تكامل، سنتى الهى است

التاريخ الاحفوري للإنسان:

تاريخ سنكوارهاى انسان :

يتصور كثير من الذين يرفضون نظرية التطور أنَّ السجل الأحفوري يسجل تطور الإنسان عن القردة العليا المعروفة لنا الآن أو عن الأرونجوتان أو الشمبانزي بالخصوص، في حين أنَّ فرع تطور بقية القردة العليا الحالية منفصل عن فرع تطور الإنسان منذ ملايين السنين، والأرونجوتان منفصل عن الإنسان منذ أمد أبعد من الشمبانزي الذي يعتبر أقرب للإنسان، ومع هذا فهو منفصل عن الإنسان منذ ملايين السنين أيضاً، فيسجل التاريخ الأحفوري كائناً يعود إلى (4. 4) مليون سنة تقريباً، واسمه العلمي (أرديبيثيكوس)، ومختصره (أردي)، كان يسير منتصباً على قدمين في غابات أفريقيا وأنيابه صغيرة كأنياب الإنسان وليس كأنياب الشمبانزي، وهو علمياً الآن في ضمن شجرة تطور الإنسان، أي باختصار أن السجل الأحفوري يسجل سلسلة منتصبة على قدمين مثل الإنسان الحالي تمتد من الآن إلى ما قبل 4. 4 مليون سنة بل وربما حتى قبل هذا، فتاريخ انفصال الإنسان عن بقية القردة العليا يصل لما يقارب سبعة ملايين سنة، وهناك كثير من الأحفوريات تعود لملايين السنين تؤكد وجود أشباه الإنسان، وكون الإنسان الحديث وإنسان النياندرتال تطوراً عن إحداهما، ومن هذه الأحفوريات التي تعود إلى أكثر من ثلاثة ملايين سنة، لوسي وإنسان كينيا.

بسیاری از منکرانِ نظریهء تکامل بر این گمانند که تاریخ سنگواره ای نشان میدهد انسان از انسانواره ها که امروزه برای ما شناخته شده اند یا از اورانگوتان و یا به ویژه از شامپانزه تکامل یافته است. این در حالی است که میلیونها سال پیش سایر افراد گونهء انسانواره های کنونی، از انسان جدا شده اند. اورانگوتان در زمانی دورتر از شامپانزه از آدمی جدا گشته، چرا که شامپانزه به انسان نزدیکتر تلقی میشود؛ با این حال شامپانزه نیز

میلیونها سال پیش از انسان جدا شده است. تاریخ سنگواره ای، موجودی را که تقریباً ۴.۴ میلیون سال پیش میزیسته ثبت کرده است که نام علمی آن (آردی پیتیکوس) (#) میباشد و به اختصار «آردی» خوانده میشود. این موجود در جنگلهای آفریقا بر روی دو پا راه می رفته و دندانهای نیش کوچکی همانند دندانهای انسان (نه همچون دندانهای نیش شامپانزه) داشته است. از لحاظ علمی آردی را در درخت تکاملی انسان درج میکنند. یعنی به اختصار علم سنگواره شناسی زنجیره ای از حیوان راه رونده بر روی دو پا - مثل انسان امروزی - را که تاریخ آن به ۴.۴ میلیون سال پیش و چه بسا دورتر از این مقدار میرسد، به ثبت رسانده است. تاریخ جدا شدن انسان از بقیه گونه های انسانواره ها تقریباً به ۷ میلیون سال میرسد. سنگواره های بسیاری که به میلیونها سال پیش بازمیگردد، دلیلی است بر وجود انسان-تباران و اینکه انسان امروزی و انسان نئاندرتال(##) از یکی از اینها تکامل یافته اند. برخی از این سنگواره ها به بیش از سه میلیون سال پیش بازمیگردد؛ مانند لوسی(#\*) و انسان کنیایی(\*\*).

-----  
(#) - آردیپیتیکوس (Ardipithecus) نام سرده ای منقرض شده از دودمان انسان است. معروفترین گونهء این سرده «آردی پیتیکوس رامیدوس» است که در حدود ۴.۴ میلیون سال پیش میزیسته است.  
(مترجم)

(##) - انسان نئاندرتال (با نام علمی Homo neanderthalensis) گونه ای از سردهء انسان بوده اند که اولین نشانه های آنها در حدود ۴۰۰ هزار سال پیش در اروپا بدست آمده و در حدود ۱۵۰ هزار سال قبل در آسیای غربی ظاهر گشته اند و حدود ۲۴ هزار سال پیش منقرض شدهاند. (مترجم، با استناد به مقاله علمی نیچر DOI:10.1038/nature06193 قابل دسترس در نشانی:

( <https://www.nature.com/articles/nature06193> )

(#\*)- بقایای سنگواره ای استرالوپیتیکوس آفارانزیز با قدمتی بین ۳-۳.۴ میلیون سال نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ میلادی در لایه های رسوبی در کشور اتیوپی کشف شده، مشهورترین نمونه این گونه لوسی نام دارد که بیش از ۴۰ درصد از اسکلت آن بدست آمده است. اگر چه آنها را روی زمین کاملاً بر روی دوپا راه می رفته اما این دوپا راه رفتن با آنچه انسان مدرن انجام میدهد متفاوت بوده است. (مترجم، با استناد به کتاب دیرین انسان شناسی در نیم سده اخیر، ترجمه حامد وحدتی نسب ص ۳۹)

(\*\*) - «مرد کنیایی» نام سنگواره ای است متعلق به حدود ۳.۵ میلیون سال قبل که در سال ۱۹۹۹ در کشور کنیا کشف شده است و متعلق به سرده «کنیاتروپوس» میباشد. پهن صورت کنیایی (کنیامردم پخترخ) با نام علمی *Kenyanthropus platyops* گونه ای انسانواره بود که حدود ۳.۵ تا ۳.۲ میلیون سال پیش در شرق آفریقا میزیست. سنگواره آن در کنیا به دست آمده است و از همین روی نام «کنیامردم» را بر آن نهاده اند.

ویژگی ممتاز کنیامردم پخترخ چنان که از نام آن بر میآید پختی چهره وی است. تا پیش از کشف این انسانواره، پختی چهره انسان (در قیاس با خویشاوندان نزدیک وی چون شامپانزه) تحولی متأخر در فرایند تکامل انسان دانسته میشد. از همین روی، پختیرخ کنیامردم با در نظر گرفتن قدمت سنگواره وی چشمگیر است. عده ای از دیرین-مردم شناسان، سرده انسان را مستقیماً برخاسته از کنیامردم میدانند. (مترجم)

-----

والتاريخ الاحفوري الذي يخص الإنسان يسجل بداية أشباه الإنسان أو الإنسان ذو الجسم المنتصب (الهومو إركتس) بتاريخ يعود إلى الورا (2) مليون سنة تقريباً، والهومو إركتس في الأغلب تمكن من استخدام النار والأدوات البسيطة كالفؤوس الحجرية، ولديه حياة اجتماعية، فقد سجل التاريخ الاحفوري في جورجيا في القوقاز بقاء عجوز من الهومو إركتس حياً لسنتين بعد سقوط أسنانه، وهذا ربما يعني أنهم كانوا يطعمونه - أو يعدون له الطعام - أي إن هذا يرجح ربما إلى أن لدى الهومو إركتس الذين هاجروا من أفريقيا حياة اجتماعية ولو بسيطة

تاريخ سنگوارهای ویژه انسان، پیدایش انسانتباران و یا انسان راست قامت(\*) (هومو إركتوس) را به تقریباً دومیلیون سال پیش ارجاع میدهد. انسان راست قامت غالباً توانایی استفاده از آتش را داشته، ابزارهای ساده ای همچون تبرهای سنگی را به کار میبرده و دارای زندگی اجتماعی بوده است. تاریخ سنگواره ای در قفقاز گرجستان، بقایای یک پیرمرد راست قامت (هومو إركتوس) را که دو سال پس از ریختن دندانهایش زنده مانده، ثبت کرده است. این شاید به آن معنا باشد که دیگران به این فرد غذا میداده یا برایش غذا تهیه میکرده اند. به احتمال بسیار قوی انسانهای راست قامتی که از آفریقا مهاجرت کرده اند، دارای زندگی اجتماعی-هرچند به طور ساده و اولیه - بوده اند.

-----  
(\*)- انسان راست قامت با نام علمی Homo erectus یکی از گونه های سرده انسان بود. این انسان در آفریقا تکامل یافت و سپس به بیرون آفریقا مهاجرت کرد. سنگواره های او در شرق آسیا (مثل جاوه) به دست آمده است. (مترجم)

## “Family Ties

Our ancestors had already ventured out of Africa 1.8 million years ago—and settled in the republic of Georgia.

The skull of this old man is humanlike but small, but the remarkable feature is the mouth. Not only are there no teeth, but nearly all the sockets are smooth, filled in by bone that grew over the spaces.

The jaws look like two crescent moons. Although it's hard to be sure of his age, 'it looks like he was maybe about 40, and the bone regrowth shows he lived for a couple of years after his teeth fell out,' says Professor Lordkipanidze. 'This is really incredible.' How did the toothless old man survive, unable to chew his food? Maybe his companions helped him, says Lordkipanidze. If so, those toothless jaws might testify to something like compassion, stunningly early in human evolution.”

«الروابط العائلية

أجدادنا غامروا قبل مليون وثمانمائة الف سنة من افريقيا  
واستقروا في جورجيا

ويقول البروفيسور لوردكيبانيدزي بان الجمجمة التي تم العثور عليها في موقع دمانسي في جمهورية جورجيا هي لرجل عجوز تشبه جمجمة الإنسان ولكنها صغيرة، ولكن الميزة الرائعة هي الفم، فليس فقط لا توجد اسنان فيه، ولكن تقريبا جميع تجاويف الاسنان ملساء، وقد ملئت بالعظام التي نمت فوق الفراغات.

يبدو الفك على شكل هلالين. وعلى الرغم أنه من الصعب تحديد عمره بدقة، ولكنه "يبدو حوالي 40 سنة، ونمو العظام بحيث ملئت الفراغات تظهر انه عاش لبضع سنوات بعد سقوط أسنانه، "هذا أمر لا يصدق حقا" كيف لرجل بلا أسنان البقاء على قيد الحياة، وهو حتى غير قادر على مضغ طعامه؟ ربما ساعده أصحابه، يقول لوردكيبانيدزي(١). إذا كان الأمر كذلك، فان فكي ذلك الانسان التي هي بلا أسنان تشهد على شيء يشبه الرحمة، وبشكل مذهل في وقت مبكر في التطور البشري»(٢).

«روابط خانوادگی

نیاکان ما یک میلیون و هشتصد هزار سال پیش از آفریقا مهاجرت کردند و در گرجستان ساکن شدند.

پروفسور لُردکیپانیدزه (١) میگوید جمجمه ای که در منطقه دمانسی در جمهوری گرجستان یافته شده است، به یک مرد مسن تعلق دارد و مشابه جمجمه انسان -ولی کوچکتر- میباشد. ویژگی بسیار جالب جمجمه در دهان آن است، چرا که نه تنها در جمجمه هیچ دندانی وجود ندارد بلکه تقریباً تمام حفره های جای دندانها صاف است و با استخوانهایی که بر روی جاهای خالی روییده پر شده است.

دو فک به صورت دو هلال به نظر میرسد. هرچند تعیین عمر دقیق فرد کار دشواری است ولی به نظر میرسد حدوداً ۴۰ ساله باشد. رشد استخوانها به گونه ای که جاهای خالی را پر کرده، نشان میدهد صاحب جمجمه پس از افتادن دندانهایش چند سالی زندگی کرده است. این موضوع واقعاً باورنکردنی است که چگونه یک مرد بیدندان توانسته به زندگی خود ادامه دهد، در حالی که وی حتی از جویدن غذایش هم ناتوان بوده است؟! لردکیپانیدزه میگوید شاید دوستانش او را کمک میکرده اند. اگر چنین باشد، آن فکهای بیدندان شاید شاهد چیزی همچون دلسوزی بوده باشد؛ موضوعی شگفتآور، آن هم در ابتدای تکامل بشری» (۲).

(۱). البروفیسور دیفد لوردکیپانیدزی: وهو عالم آثار وعالم انثروبولوجيا جورجيا، وهو الذي اكتشف الاحفورة المسماة هومو جورجیکس.

(۱)- پروفیسور دیوید لردکیپانیدزه (David Lordkipanidze) متولد ۵/۸/۱۹۶۳ باستان شناس و انسان شناس اهل گرجستان است. وی کاشف سنگوارهء پیرمرد بدون دندان موسوم به هومو گورجیکوس (Homo georgicus) است.

(۲). فیشمان (2005). الروابط العائلية. موقع ناشیونال جیوگرافیک.

Fischman (2005). Family Ties. National Geographic Magazine.



Available at: <http://ngm.nationalgeographic.com/print/2005/04/dmanisi-find/fischman-text>

قناة فيديو كتاب وهم الإلحاد (2013/09/10). الروابط العائلية عند الإنسان القديم - البروفيسور ديفد لوردكيپانيدزي. متاح على:

<http://www.youtube.com/watch?v=dUnPO2Pqcag>

(٢)- فيشمن (٢٠٠٥ م)، روابط خانوادگی، مجلهء نشنال ژئوگرافيك، قابل دسترس از طريق:

<http://ngm.nationalgeographic.com/print/2005/dmanisi-find/fischman-text>

شبكةء ویدیویی کتاب وهم الإلحاد ، روابط خانوادگی انسانهای باستانی، پروفیسور لردکیپانیدزه. قابل دسترس در نشانی:

<http://www.youtube.com/watch?v=dUnPO2Pqcag>

-----

ويسجل التاريخ الاحفوري أيضاً نشوء فرع عن الهومو إركتس وهو هومو هايدلبرغ قبل حوالي (٦٠٠-٨٠٠) ألف سنة، وهذا الإنسان (أو أشباه الإنسان) قد تمكن من صناعة الرمح وصيد فرائس كبيرة، وكان يملك دماغاً كبير الحجم، وهاجر هذا الأخير من أفريقيا وتطور إلى إنسان النياندرتال الذي انتشر في أوروبا وبقي إلى أن انقرض قبل (٢٤) ألف عام تقريباً.

تاريخ سنگواره ای همچنين از پيدائش گونه ای از انسانهای راست قامت (هومو ارکتوس) به نام انسان هايدلبرگی(\*)، در بیش از ٦٠٠ تا ٨٠٠ هزار سال قبل خبر میدهد. این انسان (یا شبه انسان) می توانسته است نیزه بسازد و شکارهای بزرگی را صید کند. وی مغز بزرگی داشته، از آفریقا مهاجرت نموده، به انسان نئاندرتال که در اروپا منتشر شد، تکامل یافته، و تا زمان انقراضش (یعنی بیش از ٢٤ هزار سال پیش) باقی بوده است. (\*)- انسان هايدلبرگ با نام علمی Homo heidelbergensis گونه ای از سردهء انسان است که در آفریقا تکامل یافت. (مترجم)

كما وتسجل الاحفوريات ظهور الإنسان العاقل (الهومو سابینس) قبل (٢٠٠) ألف سنة تقريباً منشقاً عن الهومو إركتس أو إنسان هايدلبرغ، ثم تكامل الهومو سابینس إلى شكله النهائي الحالي قبل (١٠٠) ألف عام تقريباً.

سنگواره ها همچنین از ظهور انسان خردمند (\*\*\*) (هومو ساپینس) تقریباً در ۲۰۰ هزار سال پیش، که از هومو ارکتوس یا انسان هایدلبرگی جدا شده است، حکایت دارد. در نهایت انسان خردمند یا هومو ساپینس تقریباً در ۱۰۰ هزار سال پیش به شکل نهایی امروزی خود تکامل یافت.

(\*\*\*)-انسان خردمند با نام علمی Homo sapiens یا به زبان عامه انسان (یا بشر)، یک پستانداری از تیره انسانواره ها است. مدارک بدست آمده از سنگواره ها نشاندهنده ظهور آنها در حدود ۲۰۰۰۰۰ سال پیش در آفریقا است، در حدود ۱۰۰ هزار سال پیش انسان خردمند به شکل نهایی امروزی خود که دارای هوش تکامل یافته بالا، توانا در تجزیه و تحلیل، زبان، درونگرایی و احساسات بود تکامل یافت. این استعداد روحی همراه با یک بدن راست قامت با توانایی راه رفتن و بازوان آزاد برای گرفتن اشیاء، انسانها را قادر به رفتن به سفرهای طولانی و استفاده از ابزار می داد. (مترجم)

ثم يسجل علم الآثار بتتبع الأدوات ظهور المهارات لدى الهومو ساپینس وهجرته بحدود (۷۰) ألف سنة تقريباً، وهذه الهجرة كانت هجرة ناجحة أدت إلى انتشار البشر في كل الأرض، وقد كانت هجرة مجموعة صغيرة (منتقاة) عن طريق باب المنذب في البحر الأحمر من أفريقيا إلى الجزيرة العربية، وكانت في تلك الفترة المياه منحسرة، فتمكنت مجموعة من العبور، وأخذت هذه المجموعة المنتخبة (۱) من هومو ساپینس أفريقيا تتقدم في جنوب شبه الجزيرة العربية؛ لوجود ينابيع المياه على الساحل الجنوبي لشبه الجزيرة (۲) في ذلك الوقت حيث كانت مكشوفة قبل أن تغطيها مياه البحر نتيجة ارتفاع مستوى سطح البحر، وهذه الينابيع ساعدتهم على تجنب صحراء الجزيرة، وتمكنوا من

أن يقطعوا الجزيرة العربية على الخط الساحلي مروراً باليمن وعمان الحاليين حتى وصلوا إلى منطقة الخليج المغطاة بالمياه حالياً، وهي لم تكن مغطاة بالماء المالح بعد في تلك الفترة بل كانت وادياً دافئاً (٣) تجري فيه الأنهار التي تدخله من الشمال (أي من جنوب العراق الحالي وجنوب غرب إيران الحالي)، وكان الوادي (الخليج الحالي) مكاناً مناسباً جداً للعيش فيه، فهو مليء بالأنهار والبحيرات والأهوار والغابات ودافئ، وهذا أمر مهم جداً في تلك الفترة، حيث مرت الأرض بفترة صقيع وبرد قاسية مع نهاية العصر الجليدي الأخير، فكان هذا الوادي مكاناً مثالياً لنمو البشر الأوائل، مكان مليء بالمياه العذبة والثمار والغذاء، ويمكن أن نقول: إنه أفضل مكان لنمو الإنسان العاقل في تلك الفترة، وهنا تكاثرت أعدادهم، وهاجر بعضهم إلى بقية أنحاء العالم، وبقيت مجموعة في هذا الوادي حتى تاريخ فيضان هذا الوادي عندما تسببت مياه البحر بملئه، ويقدر تاريخ ملء الخليج بالماء (٤) علمياً بين (٨-١٥) آلاف سنة قبل الميلاد وبعد الفيضان، فإن المجموعة المنتقاة أو الناجين من الفيضان انتقلوا إلى أعلى جنوب العراق الحالي وجنوب إيران الحالي متتبعين الأنهار التي كانت تجري إلى واديهما الخصب الذي أصبح خليجاً تغطيه المياه المالحة (٥).

علم باستانشناسی به بررسی پیدایش ابزار مهارت های مورد استفاده انسانهای خردمند یا هومو ساپینس و مهاجرت او در حدود ۷۰ هزار سال پیش پرداخته است. این مهاجرت موفقیت آمیز بود و به گسترش بشر در تمام زمین منجر شد. گروه منتخب (١)، از طریق تنگه باب المندب در دریای سرخ از آفریقا به شبه جزیره عربستان مهاجرت کردند. در آن زمان سطح آب دریاها پایین بوده است و این گروه توانستند از آن عبور کنند. این گروه

منتخب از انسانهای خردمند آفریقا، در جنوب شبه جزیره عربستان به پیش رفتند، زیرا در آن زمان چشمه های آب زیادی در ساحل جنوبی شبه جزیره (۲) در جریان بود (پیش از آنکه آب دریاها بالا بیاید و آنجا را بپوشاند). آنها با این چشمه ها توانستند بیابان را ترک گویند و در خط ساحلی، با گذشتن از یمن و عمان فعلی، شبه جزیره عربستان را بپیمایند تا به منطقه خلیج که در حال حاضر پوشیده از آب است برسند. در آن دوران، خلیج، سرشار از آب شور نبود، بلکه دره گرمی بود که رودخانه هایی که از شمال (یعنی جنوب عراق فعلی و جنوب غرب ایران فعلی) به آن وارد می شد، در آنجا جریان داشت. آن دره یا خلیج کنونی مکان بسیار مناسبی برای زندگی بوده است؛ چرا که پر از رودخانه ها، دریاچه ها، تالاب ها و جنگل ها بوده و در عین حال گرم نیز بوده است. در آن زمان این موضوع اهمیت بسیاری داشته؛ چرا که زمین در حال طی کردن آخرین عصر یخبندان و به شدت سرد بوده است. (۳) این دره که مملو از آبهای گوارا، انواع میوه ها و غذاهای گوناگون بوده، مکانی عالی برای رشد انسان اولیه محسوب می شده؛ بنابراین میتوانیم بگوییم دره مزبور مکان بسیار مناسبی برای رشد انسان خردمند در آن دوره به شمار می رفته است. در آنجا تعداد این افراد رو به فزونی نهاد. برخی از آنها به دیگر نقاط دنیا مهاجرت کردند و گروهی نیز در همان دره ماندند، تا زمانی که دره به دلیل ورود آب دریا پر شد. از لحاظ علمی زمان پر شدن خلیج با آب (۴)، بین ۸ تا ۱۵ هزار سال پیش از میلاد برآورد شده است. گروه منتخب یا نجات-یافتگان از سیل با دنبال کردن رودخانه هایی که به دره حاصلخیز آنها جریان می یافت، (که در حال حاضر به خلیجی مملو از آبهای شور تبدیل شده است) به سمت بالا، جنوب عراق فعلی و جنوب ایران فعلی نقل مکان کردند (۵) .

---

(۱). مسأله الهجرة يمكن للعلم أن يقطع بها؛ لوجود أدلة كثيرة عليها، ولكن ما لا يمكن تفسيره بدقة هو تمكن هؤلاء من عبور باب المنذب، فحتى لو كان الماء منحسراً فستكون هناك بضعة كيلومترات من مياه البحر لأبد من اجتيازها، وهذا يضع عدة تساؤلات يصعب الإجابة عليها دون القول إن عملية العبور حصلت بصورة غير طبيعية، فكيف تمكنوا من السباحة لعدة كيلومترات وهم لا يملكون أي تقنية أو أداة للطفو والتحرك باتجاه محدد؟! لماذا عبر هؤلاء، وما الذي اضطرهم لهذه المجازفة والعبور الى المجهول؟! لماذا لم يحصل عبور أعداد كبيرة لو كان الأمر متيسراً أو سهلاً أو حتى فيه فائدة كبيرة مغرية للغريزة الحيوانية للجميع؟! فلا يمكن إذن أن نتصور هذا العبور على أنه عبثي وليس فيه أي انتقائية أو اصطفاء، وإذا لم نقل إنه اصطفاء غيبي هيأ ظروف العبور الملائمة لهذه المجموعة المصطفاة، فعلى الأقل هو اصطفاء طبيعي بحسب نظرية التطور، فالعابرون من باب المنذب هم مجموعة متميزة عن الآخرين، وأقل ما يميزها هو قدرتها على عبور عدة كيلومترات من ماء البحر دون الآخرين.

(۱)- از لحاظ علمی میتوان موضوع مهاجرت را به طور قطعی اثبات نمود؛ زیرا دلایل عدیده ای برای آن اقامه شده است. ولی موضوعی که نمیتوان تفسیر دقیقی از آن ارائه کرد، توانایی این افراد در عبور از باب المنذب میباشد؛ زیرا حتی اگر سطح آب دریا پایین بوده باشد، باز هم چندین کیلومتر آب وجود داشته که این افراد میبایست از آن عبور میکرده اند. همین قضیه باعث بروز پرسشهایی میشود که پاسخ دادن به آنها دشوار است؛ مگر اینکه گفته شود فرآیند عبور به صورت غیرطبیعی روی داده است. این عده چگونه توانسته اند چندین کیلومتر را شنا کنند، در حالی که

هیچ فنآوری یا ابزاری برای شناور ماندن بر روی آب و حرکت در مسیر مشخص در اختیار نداشته اند؟! اصولاً چرا اینها دست به این کار زدند و چه عاملی آنها را به انجام این خطر و حرکت به سوی مقصدی نامعلوم مجبور ساخت؟! اگر این کار سهل الوصول بوده، به آسانی صورت گرفته، یا حتی فایده زیادی به همراه داشته، و یا غریزه حیوانی همه این افراد را وسوسه و اغوا کرده، پس چرا عده زیادی این کار را انجام ندادند و از آب دریا عبور نکردند؟! با این حساب نمی توانیم تصور کنیم که این گذر از آب، کاری پوچ و عبث بوده و در انجام آن هیچ انتخاب یا گزینشی در کار نبوده است. اگر نگوئیم که این فرآیند یک گزینش غیبی بوده که شرایط عبور آرام این مجموعه برگزیده را باعث شده، حداقل میتوانیم اظهار کنیم که انتخاب طبیعی طبق - نظریه تکامل دست اندرکار اصلی این جریان بوده است. عبورکنندگان از باب المندب گروهی ممتاز و متفاوت با دیگران بوده اند و حداقل چیزی که آنها را از دیگران جدا میسازد، توانایی آنها در گذشتن از مسیر چندین کیلومتری در آب دریا است؛ کاری که دیگران از انجام آن ناتوان بوده اند.

**(۲). فیدو لتوضیح وجود ینابیع المیاه العذبة:**

**قناة فیدو کتاب وهم الإلحاد (2013/09/04). رحلة الإنسان من  
أفريقيا دکتورة الیس روبرتس. متاح علی:**

**<http://www.youtube.com/watch?v=1QEzv5OE5nA>**

**(۲)- ویدو برای توضیح وجود آبهای شیرین:**

**شبكة ویدیویی کتاب وهم الإلحاد (2013/09/04)، مهاجرت انسان از  
آفريقا، دکتور الیس رابرتسون، قابل دسترس در نشانی:**

**<http://www.youtube.com/watch?v=1QEzv5OE5na>**

(۳). والدفاء كان يعني الكثير خصوصاً في العصر الجليدي الذي مرت به الأرض وانتهى قبل 10 آلاف عام تقريباً، كان دفء هذا الوادي وتوفر الغذاء فيه كفيلاً بنمو أعداد الهومو ساپينس فيه وانتشارهم منه بعد ذلك إلى كل أنحاء الأرض.

(۳)- به ویژه در آن دوران که زمین در حال طی کردن آخرین عصر یخبندان بوده، درجه حرارت این دشت بالا بوده است. آخرین عصر یخبندان تقریباً ۱۰ هزار سال پیش به پایان رسید. گرم بودن این بیابان و وفور غذا در آن، شرایط مناسبی برای رشد و نمو هومو ساپینس ها در آن بیابان و سپس پراکنده شدن آنها در سراسر جهان پدید آورده است.

(۴). أي في نهاية العصر الجليدي تقريباً، حيث ذابت الثلوج وارتفع مستوى سطح البحر.

(۴)- یعنی تقریباً در پایان عصر یخبندان؛ زمانی که برف ها آب شد و سطح آب دریا بالا آمد.

(۵). فمن غير المعقول مثلاً أن يتجهوا للصحراء وهم يعرفون المنطقة وأن مصدر المياه العذبة هو شمال منطقة الوادي الخصب أو الخليج حالياً.

(۵)- معقول نیست که آنها - به عنوان مثال - در حالی که با منطقه آشنا بوده اند و میدانستند منبع آبهای گوارا در شمال دره حاصلخیز یا خلیج فعلی قرار دارد، به سمت بیابان عزیمت کرده باشند.



-----

وبعد هذا الفيضان فإن أجزاء من أقصى جنوب العراق الحالي غطتها المياه المالحة، وعانت آلاف السنين من هذا الفيضان حتى تمكنت المياه العذبة وفيضانات الأنهار من غسلها من الملوحة وردمها بالترسبات التي تسببت بتكوين أراضي صالحة للزراعة ومتاخمة للأهوار المليئة بالأسماء، وهذا كان يدفع السكان للزحف باتجاه الخليج مرة أخرى واستيطان الأراضي التي تكشف أو التي تظمر بعد الفيضان، وهذا الأمر استمر آلاف السنين.

پس از این سیل، آبهای شور بخش هایی از دورترین نواحی جنوب عراق فعلی را فرا گرفت. این منطقه هزاران سال دستخوش نتایج ناشی از این سیل شد، تا اینکه آب شیرین و سیل رودخانه ها توانست این شوری را بشوید و آن را پر از رسوباتی سازد که عامل پیدایش زمین های کشاورزی و مناطق نزدیک به هورهای پر از ماهی شد. این موضوع ساکنان را یک بار دیگر به حرکت به سمت خلیج و استقرار در زمین هایی که پس از سیل کشف می کردند، راغب ساخت. این روند هزاران سال ادامه یافت.

وعموماً، يمكننا اعتبار سكان هذا الوادي (الخليج الحالي) أصحاب أول حضارة إنسانية على وجه الأرض، وهم من بدأوا بتكوين القرى السومرية أو الاكادية في جنوب العراق التي سبقت الحضارة السومرية الاكادية التي وصلتنا، ولهذا يمكن أن نقول عنهم: إنهم السومريون الأوائل، أو هم أولئك الأجداد الذين نقرأ للسومريين كتاباتهم في الرقم الطينية وهم يفتخرون بهم وبحضارتهم وقيمهم الأخلاقية العليا.

به طور كلى ميتوانيم ساكنان اين دره (خليج كنونى) را صاحبان اولين تمدن انساني بر روى زمين بشمار أوريم. اين عده روستاهای سومرى و اكدي را در جنوب عراق بنا نهادند؛ روستاهایی كه پيشينهء سومر و اكدي كه امروزه به ما رسیده است، بوده اند. از همين رو ميتوانيم بگويم اينها سومريان نخستين، يا اجداد كسانی هستند كه ما نوشته هايشان را در لوح های گلى مى خوانيم و سومريان به تمدن آنها و ارزشهای والای اخلاقيشان افتخار ميكرده اند.

وأيضاً هؤلاء السومريون الأوائل أو لنقل سلف السومريين انتشروا إلى باقي الأرض، فهم انتقلوا إلى مصر وبنوا أسس الحضارة المصرية القديمة التي سبقت الحضارة المصرية التي وصلتنا، وبحسب الدراسات الجينية الأخيرة فإن كل إنسان على الأرض الآن إذا لم يكن من الذين بقوا في أفريقيا فهو يعود في أصوله إلى هذه المجموعة الصغيرة المنتقاة التي هاجرت من أفريقيا إلى جنوب الجزيرة العربية (اليمن وعمان والإمارات

الحالية)، ثم إلى الحوض الخصب (الخليج حالياً) وإلى العالم، ثم إلى جنوب العراق ثم منه أيضاً إلى العالم، ولم تساعد الظروف الطبيعية اللاحقة في أفريقيا الكثرة الباقين فيها كما ساعدت القلة الذين هجروها، وبهذا فقد تكاثرت المجموعة المنتقاة وبشكل كبير وملأوا الأرض (١)، حتى وصل الأمر إلى أن يهاجروا هجرة عكسية من الوادي الخصب وجنوب العراق إلى شمال أفريقيا، فسكان شمال أفريقيا - من مصر حتى المغرب العربي بل حتى السودان - هم مهاجرون من الوادي ومن جنوب العراق القديم بحسب بعض البحوث الجينية، وبهذا فقد حصلت الغلبة والهيمنة للمجموعة المنتقاة (المنتخبة)، ونجت من ظروف أفريقيا أولاً ومن غرق الخليج ثانياً وعادت واستعمرت شمال أفريقيا أخيراً.

به علاوة اين سومريان - يا همان نياکان سومريان - در ديگر نقاط جهان پراکنده و منتشر شدند. آنها به مصر رفتند و پایه های تمدن مصر باستان را بنا نهادند، که این پیش از تمدن کنونی مصر که به ما رسیده می باشد. بنابر پژوهش های جدید ژنتیکی، هر انسانی که اکنون بر روی کره زمین زندگی میکند، اگر از کسانی که در آفریقا ماندند، نباشد، اصلش به این گروه کوچک منتخب بازمیگردد که از آفریقا به جنوب شبه جزیره عربستان (یمن، عمان و امارات کنونی) مهاجرت کردند؛ سپس به این آبگیر حاصلخیز (خلیج فعلی) و به برخی نقاط جهان، سپس به جنوب عراق و از آنجا نیز به دیگر نقاط جهان عزیمت نمودند. شرایط طبیعی آفریقا، اکثریت بازماندگان را بر خلاف گروه کم-تعدادی که از آنجا مهاجرت کرده بودند، یاری نکرد. به این ترتیب این گروه منتخب به طور قابل ملاحظه ای زاد و ولد کردند و زمین را فراگرفتند (١)؛ حتی کار به جایی رسید که به مهاجرت معکوس از دره حاصلخیز و جنوب عراق به شمال آفریقا مبادرت ورزیدند. براساس برخی تحقیقات ژنتیکی، ساکنان شمال آفریقا - از مصر و مغرب عربی تا السودان

- کسانی هستند که از این دره و از جنوب عراق قدیم مهاجرت نموده اند. به این ترتیب این گروه منتخب غلبه و تسلط یافت؛ ابتدا از شرایط آفریقا و سپس از غرق شدگی در خلیج رهایی یافت و به شمال آفریقا بازگشت و به عمران آنجا مبادرت نمود.

وبحسب السجل الاحفوري فقد واجه وعاصر الإنسان الحديث (الهومو ساپینس) بعد هجرته باتجاه أوروبا ولمدة (١٥) ألف سنة تقريباً إنساناً آخر هو إنسان النياندرتال، والذي كان قد سبقه للظهور من نفس سلفه الهومو إركتس أو الهايدلبيرغ في أفريقيا كما بينا سابقاً، ولكن هجرة الهومو إركتس من أفريقيا كانت من الشمال وقد وصل إلى أقصى آسيا، ووجدت بقايا أشباه الإنسان المتطورين عن الهومو إركتس حتى في أندونيسيا والصين. وكان النياندرتال المتطور عن الهايدلبيرغ يستخدم النار ويدفن موتاه أحياناً، ثم انقرض النياندرتال قبل (٢٤) ألف سنة تقريباً ليبقى فقط الإنسان العاقل الحديث متفرداً بالأرض.

بنا بر شواهد سنگواره ای، انسان امروزی (انسان خردمند یا هومو ساپینس) پس از مهاجرت به سمت اروپا، برای حدود ۱۵ هزار سال، با انسان دیگری به نام انسان نئاندرتال که همانطور که پیشتر بیان نمودم، از همان نیاکان وی یعنی هومو ارکتوس یا انسان هایدلبرگی در آفریقا ظهور یافته بودند، برخورد، و همزمانی داشته است؛ ولی مهاجرت هومو ارکتوس از آفریقا، از نواحی شمال بوده و وی به بیشتر مناطق آسیا رسیده است. حتی بقایای انسانتباران تکامل-یافته از هومو ارکتوس، در اندونزی و چین نیز کشف شده است. نئاندرتال تکامل-یافته انسان هایدلبرگی، از آتش استفاده میکرده و گاهی اوقات مردگان خود را نیز دفن می نموده است.

نئاندرتال تقريباً ٢٤ هزار سال پيش منقرض شد، تا فقط انسان خردمند  
امروزی به تنهایی بر روی زمین باقی بماند.

-----

(١). جدير بالذكر أن الصينيين يعتقدون أنهم من جنس يختلف  
عن بقية البشر، حيث يعتقد الصينيون أنهم يرجعون إلى الهومو  
إرکتس الذي هاجر من أفريقيا منذ وقت مبكر وهذه النظرية تدرس  
في الصين بناء على بعض الاحفوريات التي وجدت هناك ولكن  
مؤخراً أجرى البروفسور (جن لي) وهو من كبار علماء الوراثة  
الصينيين بحثاً علمياً حيث أخذ الحمض النووي لأكثر من 160  
عرقاً من شرق آسيا، وقال إنه لم يجد أي واحد من آلاف العينات  
التي أخذها يمكن أن يعتبر من نسل الهومو إرکتس القديم، بل  
صرح لقناة (BBC) أن كل شخص في الصين وفي شرق آسيا  
يعود إلى المجموعة الأفريقية المهاجرة من الهومو سابينس  
المنحدرة من الهومو إرکتس، وقال رغم أنه صيني وكان يدرس أنهم  
الصينيين يختلفون ومن جنس مختلف وكان يتمنى أن يجد شيئاً  
مختلفاً، ولكن النتائج والأدلة العلمية التي وصل لها واضحة تمام  
الوضوح أن الإنسان في كل اصقاع الأرض ليسوا مختلفين، وأننا  
جميعاً أقارب، فلا بد أن نكون كلنا سعيدين. البحث منشور في  
مجلة أخبار العلوم الأمريكية sciencenews ، الإصدار 154،  
العدد 14 في 3 اكتوبر 1998، تحت عنوان:

**(Asian DNA Enters Human Origin Fray)**

[http://www.sciencenews.org/pages/  
sn\\_arc98/10\\_3\\_98/fob1.htm](http://www.sciencenews.org/pages/sn_arc98/10_3_98/fob1.htm)

قناة فيديو كتاب وهم الإلحاد (2013/09/10). البروفسور جن لي  
جميع الصينين أصلهم من أفريقيا. متاح على: ([http://](http://www.youtube.com/watch?v=1BNyZR6ohtQ)  
( [www.youtube.com/watch?v=1BNyZR6ohtQ](http://www.youtube.com/watch?v=1BNyZR6ohtQ) )

(١)- شایان ذکر است که چینی ها معتقدند نژاد آنها با دیگر افراد بشر متفاوت است، زیرا بر این باورند که نسل آنها به هومو ارکتوس هایی که از دوره های آغازین از آفریقا مهاجرت کرده اند باز میگردد. این نظریه بر پایه برخی سنگواره هایی که در آن منطقه یافت شده است، در چین تدریس میگردد. ولی به تازگی «چین لی» یکی از بزرگترین مردم شناسان چین، با گرفتن DNA بیش از ۱۶۰ نژاد از شرق آسیا، گفته که از هزاران نمونه حتی یک مورد که بتوان آنرا از نسل هومو ارکتوس قدیم بشمار آورد، پیدا نکرده است. وی در گفتگو با شبکه BBC تأکید کرد که تمام مردم چین و شرق آسیا، از نوادگان هومو ساپینس های مهاجر از آفریقا هستند که ایشان خود از هومو ارکتوس ها انشقاق یافته اند. وی اذعان داشت که اگر چه خودش چینی است و بر این باور بوده که چینی ها متفاوتند و از نژاد دیگری هستند و هرچند خودش تمایل داشته چیز متفاوتی بیابد، ولی نتایج و شواهد علمی که به آنها دست یافته به روشنی هر چه تمامتر حاکی از آن است که انسانها در هر نقطه از جهان که باشند، با هم تفاوتی ندارند، و ما همگی با یکدیگر خویشاوندیم و همه ما باید شاد و خوشبخت باشیم. این پژوهش در تاریخ ۳ اکتبر ۱۹۹۸ در شماره ۱۵۴/۱۴ مجله آمریکایی اخبار علوم تحت عنوان

(Asian DNA Enters Human Origins Fray)

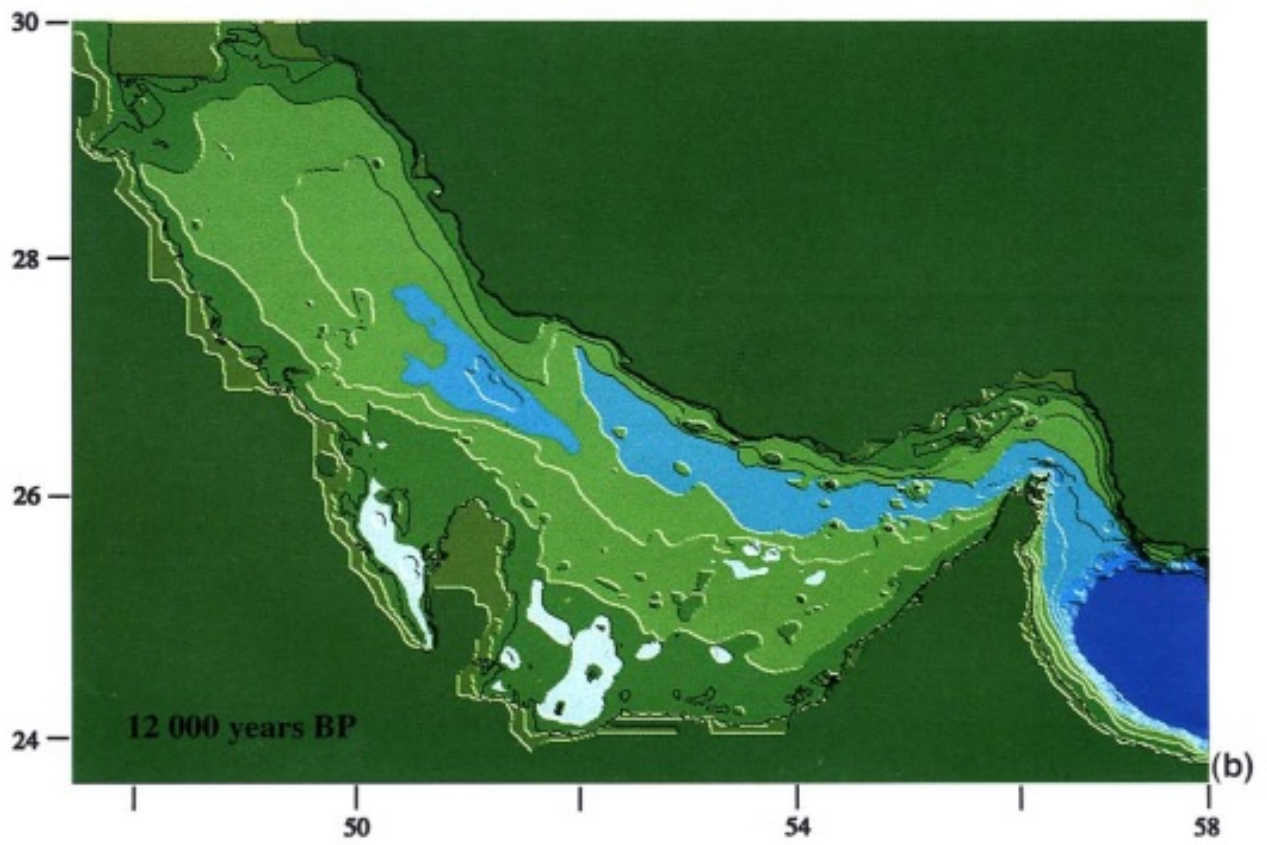
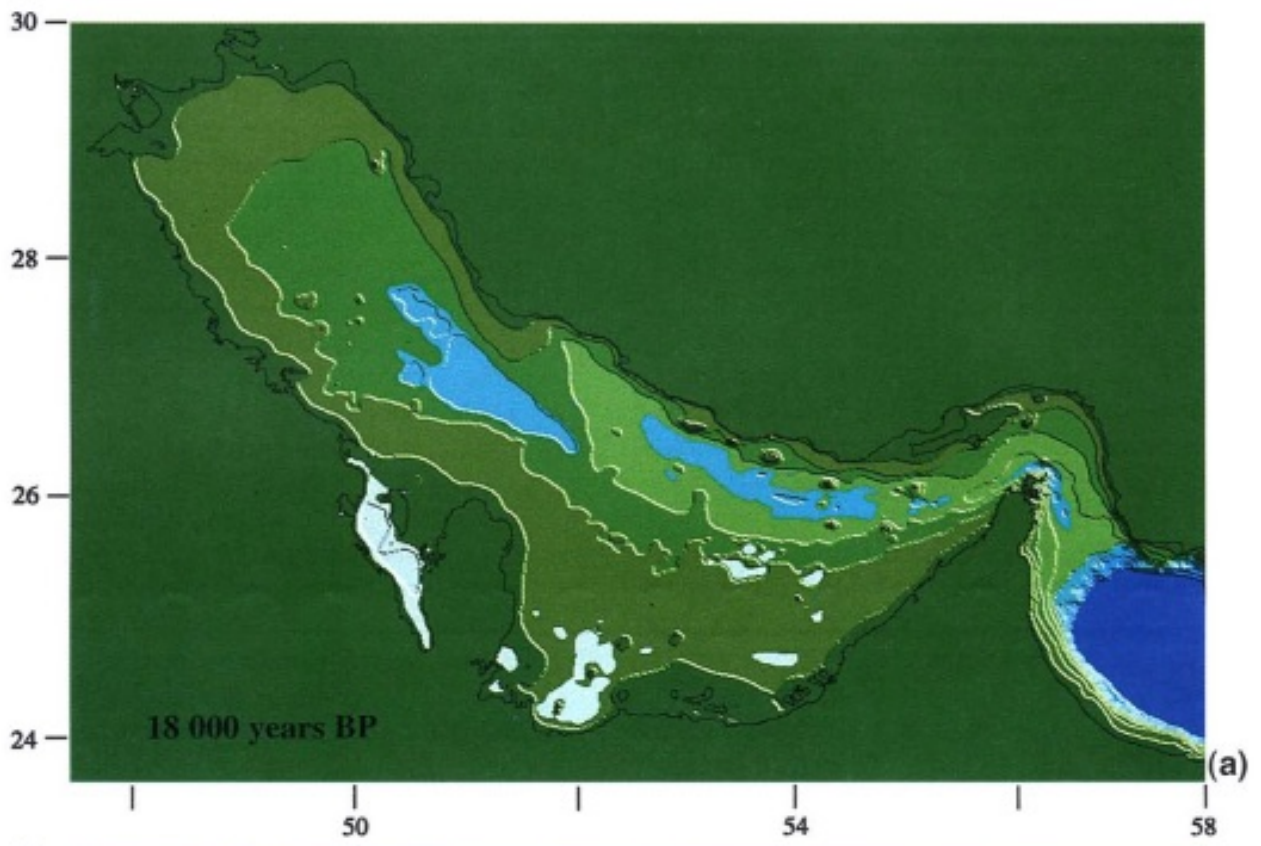
به چاپ رسیده است. قابل دسترس از نشانی:

[http://www.sciencenews.org/pages/sn\\_arc98/10\\_3\\_98/fob1.htm](http://www.sciencenews.org/pages/sn_arc98/10_3_98/fob1.htm)

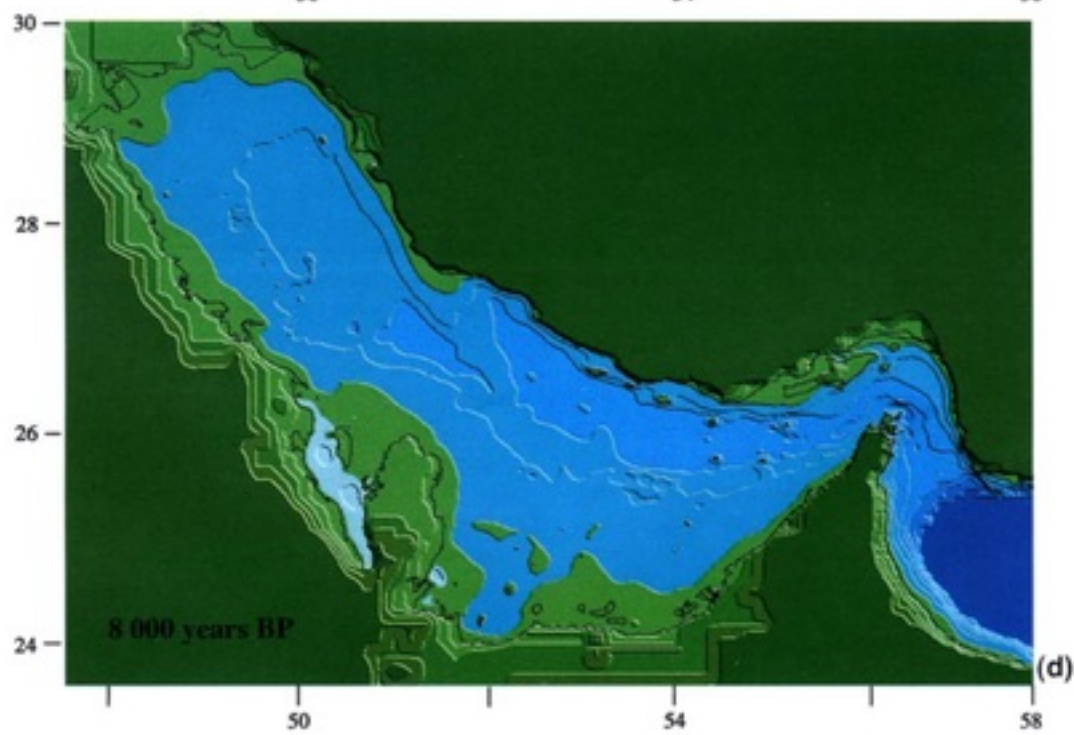
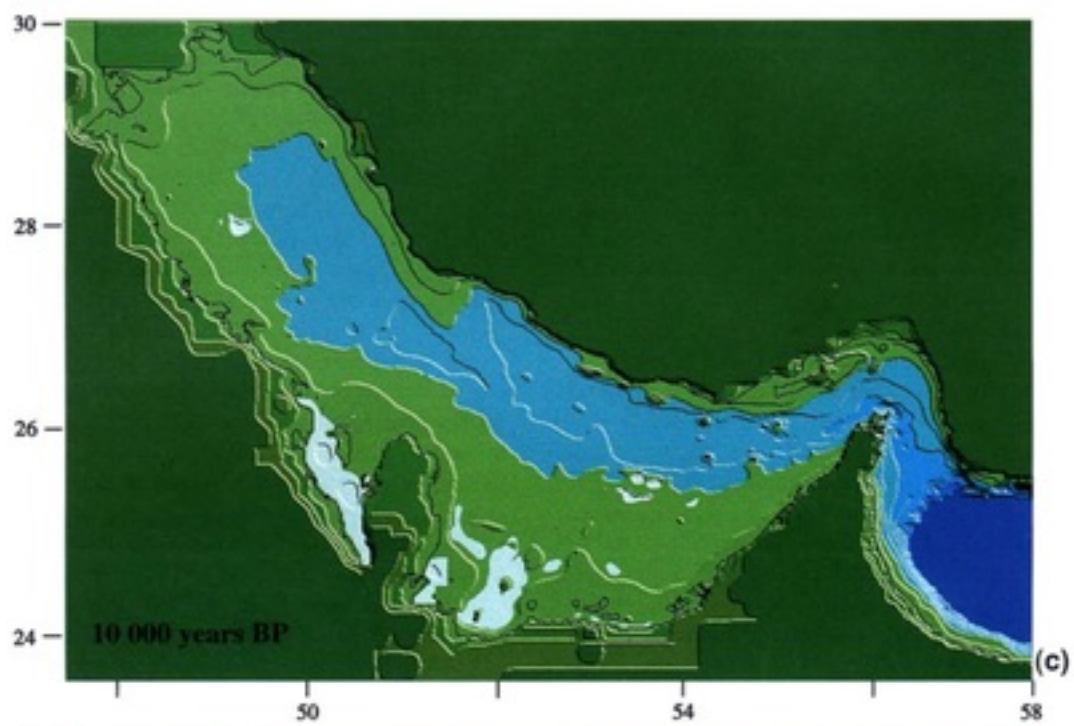
شبکه ویدیویی کتاب وهم الإلحاد ، پروفسور چین لی: اصل همه چینی ها از آفریقا است. قابل دسترس در نشانی:

<http://www.youtube.com/watch?v=1BNyZR6ohtQ>

-----







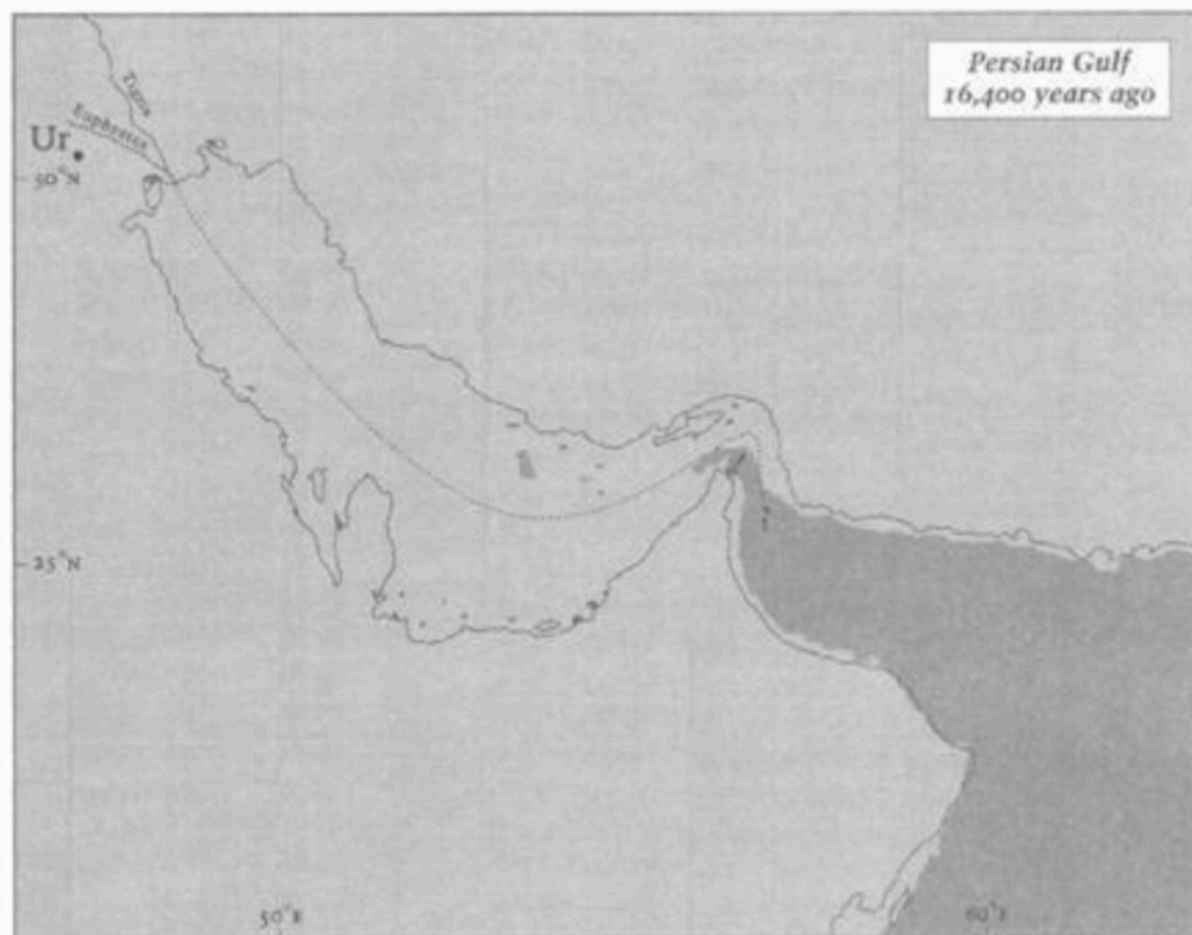
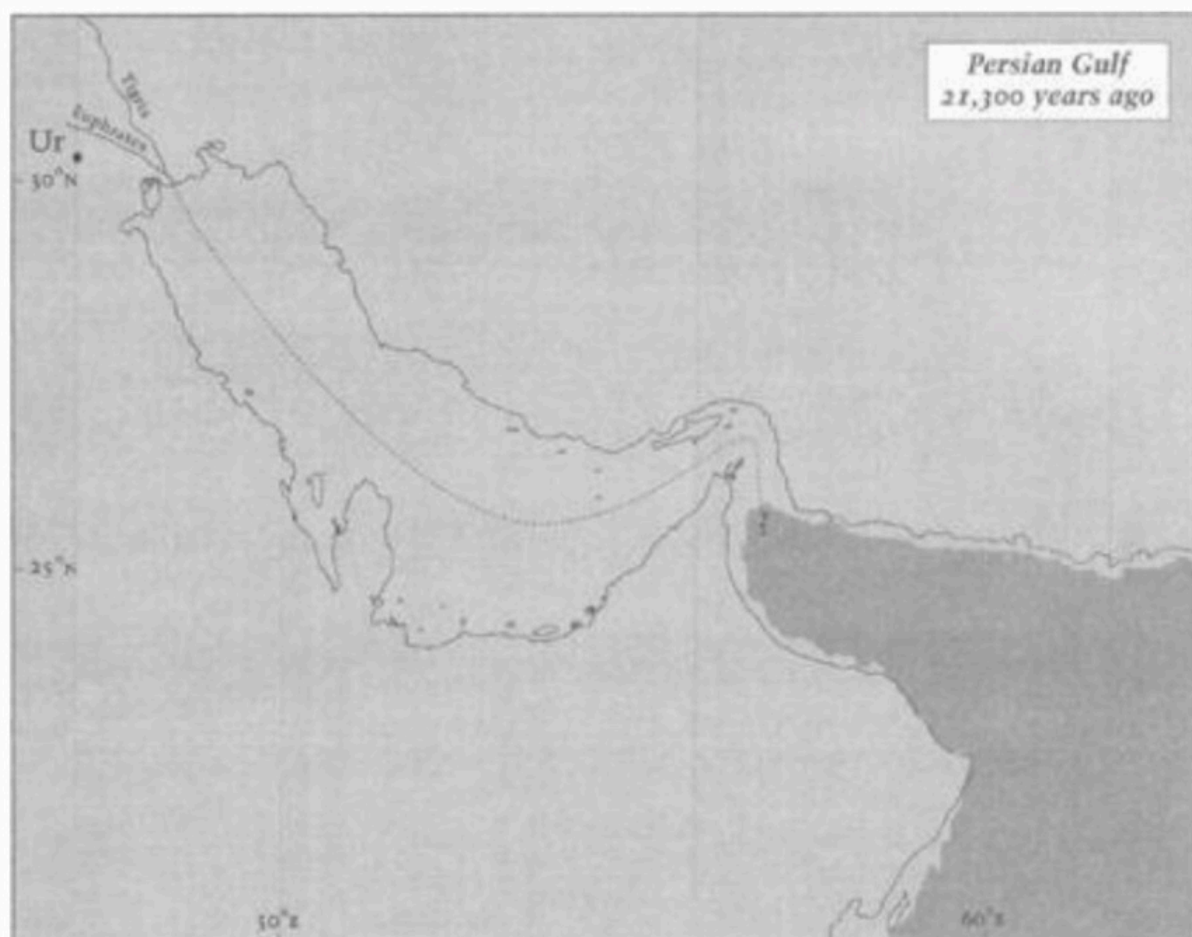


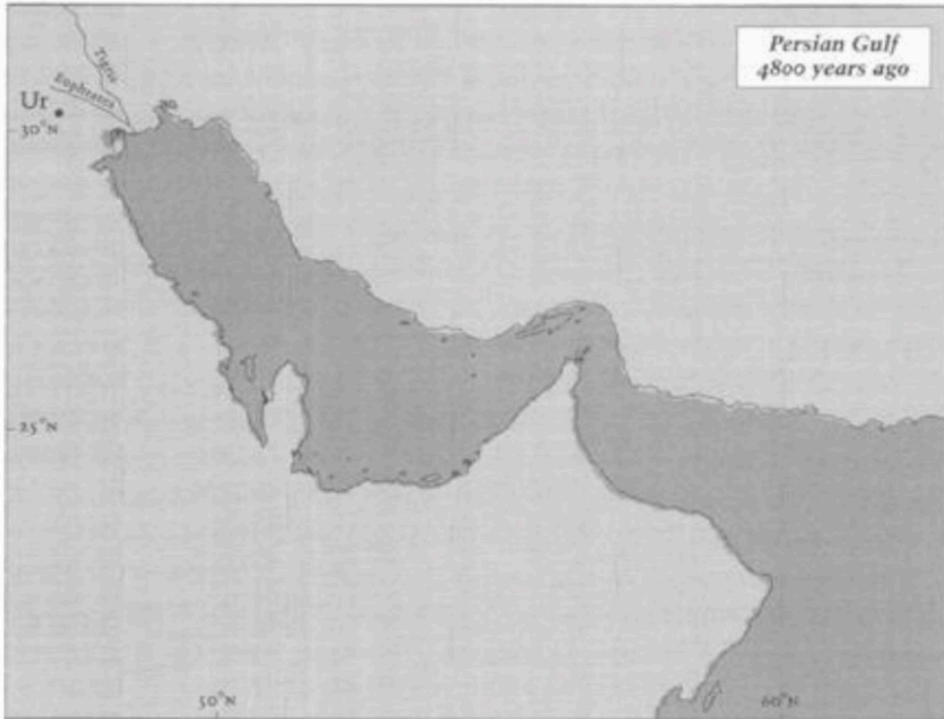
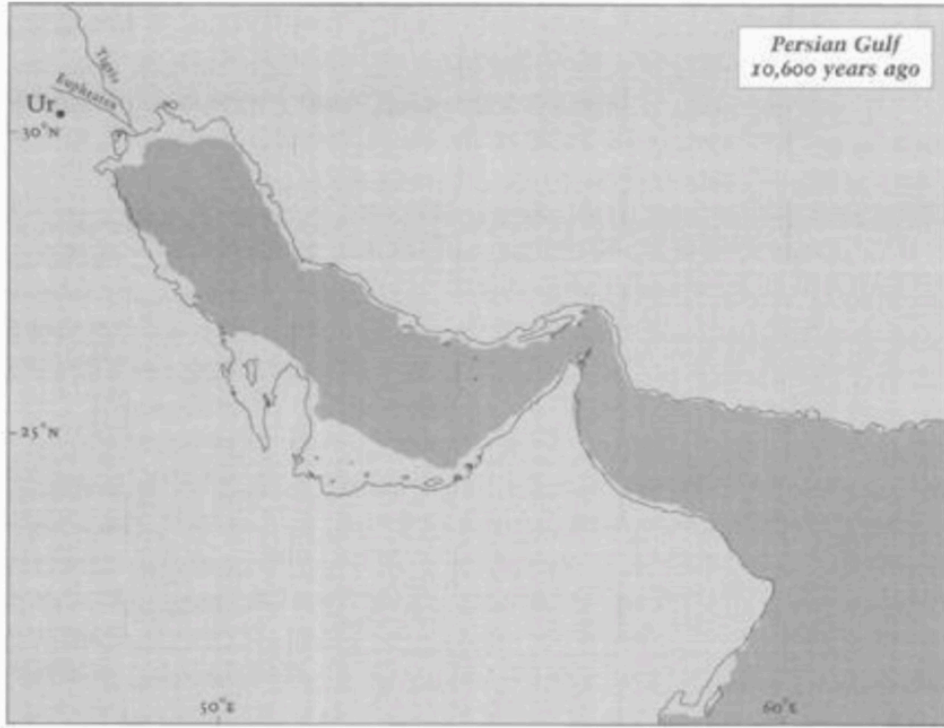
ادامه‌ی شکل ۴



شکل ۴: تصاویر توضیحی که نشان‌دهنده‌ی پر شدن دره از آب است. دوره‌های زمانی مندرج در تصاویر، تقریبی است.<sup>۱</sup>

۱- منبع تصویر: گراهام هانکوک، جهان زیرین: منشأ اسرارآمیز تمدن  
Hancock, Underworld: The Mysterious Origins of Civilization.





شكل 4: صور توضيحية تبين امتلاء الوادي بالمياه. الفترات الزمنية المذكورة في الصور تقريبية (1)

1. الصورة من كتاب العوالم السفلية: الأصل الغامض للحضارات، تأليف: جراهام هانكوك. المصدر: (Hancock, Underworld: The Mysterious Origins of Civilization)

شكل 4: صور توضيحية تبين امتلاء الوادي بالمياه. الفترات  
الزمنية المذكورة في الصور تقريبية (١)  
(١). الصورة من كتاب العوالم السفلية: الأصل الغامض  
للحضارات، تأليف: جراهام هانكوك. المصدر:

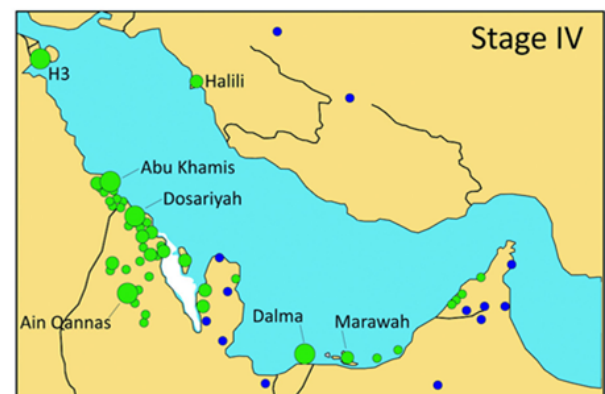
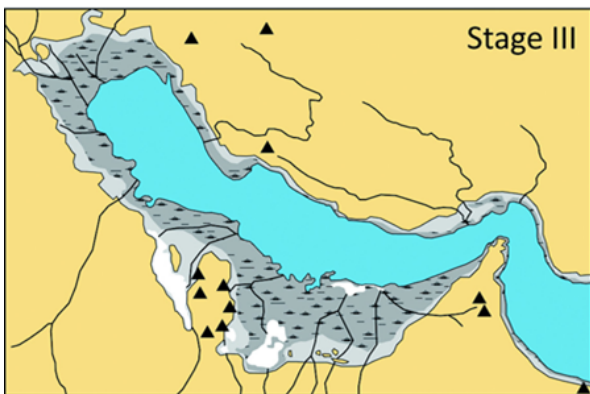
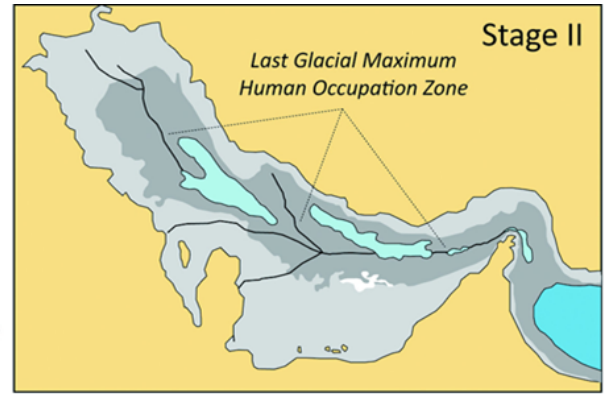
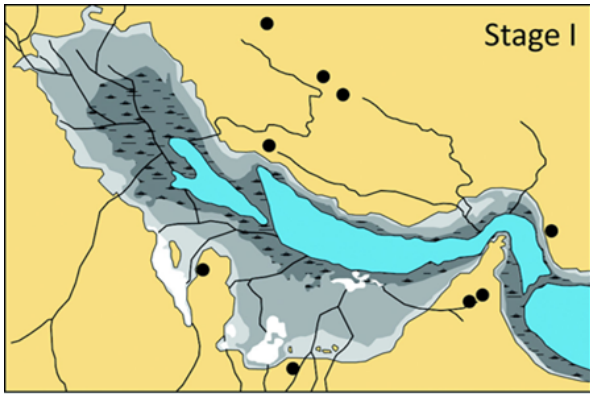
**(Hancock, Underworld: The Mysterious Origins of  
Civilization)**

شكل ٤: تصاوير توضيحية كه نشاندهنده پر شدن دره از آب است. دوره  
های زمانی مندرج در تصاویر، تقریبی است. (١)  
(١) - منبع تصویر: گراهام هانکوک، جهان زیرین: منشأ اسرارآمیز تمدن  
Hancock, Underworld: The Mysterious Origins of  
Civilization.

ادامهء شكل ٤

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*



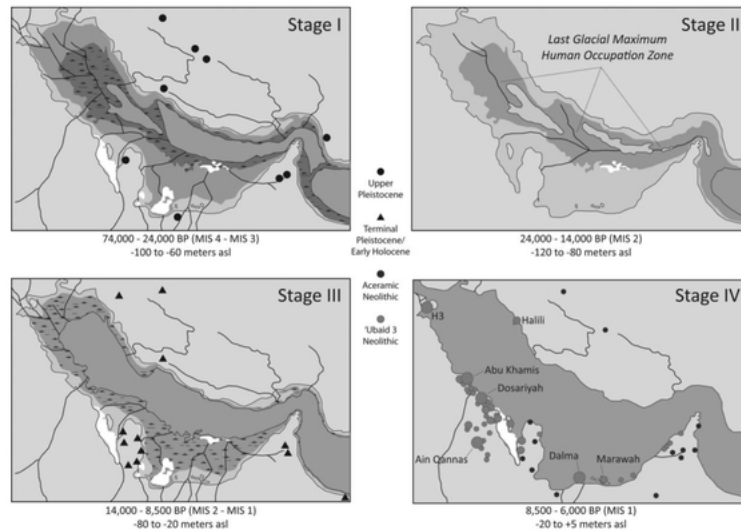


Figure 5. Paleoshoreline configuration, drainage systems, and archaeological sites around the Arabo-Persian Gulf basin during the Late Pleistocene and Early Holocene. The position of the shoreline during these intervals is based on Lambeck (1996, fig. 7), and the drainage channels are taken from Zarins (1998, fig. 1). Sources for archaeological site distributions: Carter (2006, forthcoming); Charpentier (2008); Conard et al. (2005); Kapel (1967); Rosenberg (1985); Uerpmann, Potts, and Uerpmann (2009).

that a Neanderthal population was present in the northern and central Zagros Mountains during the Late Pleistocene, thousands of years after the earliest recorded modern human expansion into the Levant (Mercier et al. 1993; Schwarcz et al. 1988).

New data from southern Iran suggest some degree of regional variation in terms of stone tool-making traditions. "Middle Paleolithic" findspots from the southern Zagros include the basal stratum at Eshkafi-i-Gavi (13 in fig. 2; Rosenberg 1985; Scott and Marean 2009), the lowest archaeological levels at Qaleh Bozi (11 in fig. 2), surface scatters collected near Jahrom (15 in fig. 2; Piperno 1972), Bab Anar (14 in fig. 2; Dashtizadeh and Hossaini 2008), Jam-o-Riz Plain (16 in fig. 2; Dashtizadeh 2009), and several recently recorded findspots from the central provinces of Esfahan, Fars, and Kohgiluyeh-Boyerahmad (Conard et al. 2005, 2006, 2007; Ghasidian et al. 2006). Farther to the east, two assemblages

were reported by an expedition to the Makran coast in the mid-1970s (Vita-Finzi and Copeland 1980). The geological survey team, composed of nonspecialists, collected lithic artifacts at Konarak (18 in fig. 2) and Kuhstak (17 in fig. 2), which they classified as "Middle Paleolithic" from the identification of Levallois cores and blanks. This material, however, comes from surface scatters and should be treated cautiously.

The site of Qaleh Bozi is a complex of two rockshelters and a cave overlooking the Zaiandeh Rud floodplain below (Biglari et al. 2009). The "Middle Paleolithic" assemblage found within these deposits is fundamentally different from the Mousterian of the northern Zagros. Excavators report the predominant use of simple, unidirectional blanks struck from split cobbles, followed by discoids, globular multiple platform cores, and *façonnage* reduction strategies. Striking platforms are for the most part unfaçeted, and there is no evidence for the use of the Levallois method. Bifacial tools, completely